

سرمقاله

وضعیت تاسفبار افغانستان در مبارزه با فساد

محمد رضا هویدا

فساد در افغانستان حرف جدیدی نیست، اما با گذشت هر روز حرفهای جدیدتری از وسعت و میزان فساد در افغانستان به نشر می رسد.

فساد در افغانستان چنان ابعاد گسترده ای به خود گرفته است که کمتر موضوع و زمینه ای باقی مانده که نتوان در آن ریشه های فساد را یافت. میلیاردها دلار پول های کمکی که قرار بود برای بازسازی افغانستان به مصرف برسد، نه تنها در بازسازی کشور به مصرف نرسید، بلکه برعکس، در خرابی این کشور صرف شده است.

فساد اداری در همه وزارت خانه های کشور وجود دارد. گاهی یک وزارت و زمانی وزارتی دیگر، دوسیه های فساد شان برملا می شوند و اندک زمانی پس از رسته ای شدن آنها، دوباره باز هم خاموشی و بی تفاوتی مسئولان و دولتمردان به این قضایا زمینه فساد را بیشتر می سازد.

دریافت عمق فاجعه ای که ناشی از فساد اداری در افغانستان می باشد، کار دشواری است.

زمانی که یک فامیل شهید برای دریافت اندک پولی که برای گذران زندگی آن فامیل به هر دری می زنند ولی جواب مثبتی نمی گیرند، ولی میلیون ها دلار به جیب عده ای از افراد فاسد می رود، دولت نیز مطمئن کاری بیشتر از آنکه هبیتی را مسئول بررسی این دوسیه قرار دهد و در نهایت این دوسیه نیز مانند دهها و صدها دوسیه دیگر به فراموشی سپرده شود، انجام داده نمی تواند، توقع اینکه مبارزه با فساد اداری یک امر جدی بوده و به نتیجه برسد، چندان قابل باور نخواهد بود.

و یا زمانی که دلخوشی افغانستان برای ادامه حیات اقتصادی خود با تکیه بر منابع معدنی کشور، با گفته های وزیر معادن که خبر از ایستاده بودن افغانستان در خط صفر می دهد، به یاس و نومیدی مبدل می شود، تمامی حرف و حدیث هایی که در طول سالهای گذشته در مورد سرمایه گذاری ها و دستاوردهای افغانستان در زمینه بهره برداری از معادن کشور گفته می شود، بیهوده و بی معنا می نماید.

سسر و صداهایی که در مورد سرمایه گذاری های کلان خارجی در معادن کشور به راه افتاده بود و وانمود می شد که افغانستان می تواند با این سرمایه گذاری ها به منابع هنگفت مالی برای ثبات و بهبود اقتصاد خود دست یابد، بیشتر به پروژه های تبلیغاتی شباهت دارد تا واقعیت های عینی که تحولی در اقتصاد کشور بیاورد.

و همین گونه زمانی که در وزارت خارجه کشور که مسئول پیشبرد سیاست خارجی کشور است، پیشبرد امور و عزل و نصب ها نه بر اساس شایستگی که بر اساس روابط باشد، چگونه می توان انتظار داشت که سیاست خارجی کشور به صورت منظم و بدون عیب و نقص پیش برود.

گفته می شود که شماری از کسانی که استخدام شده اند صرف سند فراغت لیسه را داشته و عده دیگر براساس پالیسی استخدام مبتنی بر شایستگی، واجد شرایط نمی باشند.

در حالی که صدها فرد دارای تحصیلات عالی و تجربه بالا و دارای لیاقت تنها به این دلیل از کار در وزارت خارجه باز مانده اند که دارای روابط و زد و بند با مقامات وزارت خارجه نبوده اند.

و در نهایت حاکمیت قانون و نظام عدلی و قضایی در افغانستان نیز وضعیتی نگران کننده دارد و (به اصطلاح) از آخر دوم است. برای هر کدام از این زمینه ها میلیون ها و شاید میلیاردها دلار چه از بودجه ملی افغانستان و چه از کمک های خارجی به مصرف رسیده است. این پول ها به جایی نرسیده اند و به جیب افراد فاسدی رفته اند که برای قانون و نظام دموکراسی ضرر و تهدید به شمار می آیند.

افغانستان، برای خروج از این وضعیت راهی به جز مبارزه با فساد ندارد، اما مبارزه با فساد شاید بزرگترین حرفی است بتواند زد، و شاید از قد و قامت این دولت بسیار بزرگتر باشد.

مبارزه با فساد یعنی بازیبندی در تمام ساحات دولت و مبارزه با بسیاری از آنچه در حال حاضر جریان دارد و این امر با چنین وضعیت و چنین افرادی به پیش نخواهد رفت.

تخریب آثار باستانی در شهرهای نمرود، هترا و اکتونو پالمیرا: مکان‌هایی باستانی که افکار عمومی غرب ارتباطی ناچیز یا در حد صفر با آن‌ها برقرار می‌کند، این روزها حضور کوتاه غم‌انگیزی در خبرهای تاریک خاورمیانه دارند. همان محوطه‌های باستانی‌ای که نظام آموزشی کشورهای اروپایی که دوران باستان در آن دیگر کم‌تر مطرح می‌شود و پیشاپیش آن‌ها را به دست فراموشی سپرده، اکنون در زمان کوتاهی از کف‌شای روده می‌شوند، آن هم از زمانی که پیکارجویان نظام خودخوانده «دولت اسلامی» آن‌ها را با انفجار دینامیت با خاک یکسان می‌کنند.

از قضا همین دسته‌های داعش که موجودی موزیم‌ها را با دیلم و پتک خرد و خمیر و تندیس‌ها و سنگ‌چهره‌های سالم‌مانده در گذر قرن‌ها را با رگبار مسلسل‌های‌شان ذره ذره می‌کنند، لحظه‌ای به یسار مغرب‌زمین می‌آورند که تاریخش به زمانی پیش‌تر از انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی و همچنین قبل از کارل کبیر نیز می‌رسد.

نمرود، هترا و پالمیرا شهرهایی هستند که در درس‌های تاریخ دیگر کمتر کسی از آن‌ها نامی می‌برد و آن‌ها را می‌شناسد. نمرود مرکز ثقل سیاسی دولتی قدرتمند، مانند واشنگتن یا پکنگ امروز بوده است. پالمیرا نیز مرکز بزرگ تجاری و اقتصادی در دوران باستان بوده و جایگاهی مانند لندن یا نیویورک امروز را داشته است. تنها کسی که از اهمیت این مکان‌ها برای دوره‌های طولانی گذشته باخبر باشد، می‌تواند دریابد که با پیشروی داعش چنان چه میراث فرهنگی‌ای را از دست می‌دهد. در منطقه میانه درباری مدیترانه و رود دجله در برابر چشمان همه ما حافظه فرهنگی بشریت در حال نابودی است.

نمرود: مرکز یک امپراتوری جهانی در ژانویه سال ۲۰۱۵ شش‌هفتاد و دو سالگی

اسلامی بخش‌هایی از دیوارهای نینوا، یکی از ویران‌شهرهای بازمانده از دوران آشوری را در نزدیکی دجله، واقع در مجاورت شهر

موصل تخریب و با خاک یکسان کردند. کمی بعد شورشیان در شهر رقه سوریه پیکره عظیم شسیری را ویران کردند که در اصل متعلق به شهر آشوری ارسلان‌تاش در ترکیه بود. در روز ۲۶ فبروری ویدیویی در اینترنت منتشر شد که تخریب آثار هنری بازمانده از دوران آشوری در موزیم موصل را به دست اعضای گروه دولت اسلامی نشان می‌داد. همه این رویدادها از وضعیت امنی برای میراث فرهنگی دیگر در منطقه نفوذ دولت اسلامی خبر نمی‌داد. در واقع دیگر لازم نبود افکار عمومی جهان مدت بیشتری برای انتشار تصاویر جدیدی اینترنتی از ویرانگری‌های شجاعانه این گروه انتظار بکشد. ظاهراً در روز ۵ مارچ نیز افراد گروه دولت اسلامی شهر نمرود، کالخور باستانی را با عبارتی کالج در کتاب مقدس را با بلدوز و مواد منفجره ویران کردند.

آثار شهرسازی در نمرود به هزاره ششم پیشامیلادی برمی‌گردد. در میانه عصر برنز، از حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد، این مکان به یکی از مهم‌ترین شهرهای منطقه بین‌النهرین ارتقا یافت. امپراتوری دوران میانه آشور کالخور را که در منطقه‌ای مناسب در مجاورت بخش میانی رود دجله نزدیک به دهانه رودخانه بزرگ زاب قرار داشت، به یکی از مراکز استانی خود تبدیل کرد. این محل در میانه دلتایی قرار داشت که رأس‌های آن مهم‌ترین شهرهای امپراتوری آن زمان را می‌ساختند: آشور در جنوب، اربیل (امروزی) در شرق و نینوا در شمال. به‌واسطه این امر، نقش کالخور به عنوان یک مرکز تجارت با مناطق دوردست از پیش تعیین شده بود که در آن جاده‌های زمینی مهمی به یکدیگر می‌رسیدند.

پس از یک دوران ضعف در گذر شش سال‌های پایان هزاره دوم پیش از میلاد تا هزاره نخست، آشور نصیرپال دوم (۸۸۲-۸۵۹ پ.م)، پادشاه آشور، شورشیان منطقه را شکست داد و راه خود را به سوی مدیترانه گشود. البته جانشینان آشور نصیرپال نخست در قرن هشتم پیش از میلاد موفق شدند شام را براسا مدتی طولانی به زانو در آورند. با وجود این، به هر

پیشروی داعش در پالمیرا: آنچه جهان از دست می‌دهد

قسمت اول

میشائیل زومر

ترجمه: فرهاد سلیمانیان



جایگاه دومین شهر مهم پس از نینوا کنار می‌آمد. در پایان قرن هفتم پیشامیلادی، امپراتوری آشور ظرف چند سال سقوط کرد و قدرت‌های جدیدی میراث آن امپراتوری را در اختیار گرفتند: پس از سلطنت آشوریان نیز بابلیسان، ایرانیان، مقدونیان و در نهایت - در غرب - رومی‌ها و - در شرق - پارت‌ها (اشکانیان) قدرت را به دست گرفتند.

کالخور با سقوط امپراتوری آشور از میان رفت و به دست فراموشی سپرده شد تا آن‌که مسافران اروپایی در قرن هجدهم آن را دوباره کشف کردند. آن‌چه را که باستان‌شناسان عراقی، انگلیسی، ایستانی و ایتالیایی طی قرن نوزدهم و بیستم در کالخور/نمرود کشف کردند، در حال حاضر همزمان با دومین دور انهدام آثار باستانی نمرود به دست نیروهای دولت اسلامی، کالج دانشگاهی لندن پروژه‌های اینترنتی را به نمایش گذاشته که ارزش بازدید اینترنتی را دارد.

.....ادامه دارد

می‌گذاشتند. یکی از آن شاهان تیگلات-پیلسر سوم (حدود ۷۴۵-۷۲۶ پ.م) بود که سپاهیان آشوری را از شمال تا قفقاز، از غرب تا پادشاهی یهودا در نزدیکی بیت‌المقدس امروز، از جنوب تا شبه‌جزیره عربستان و از شرق تا ایران باستان فرماندهی کرد و پیش برد. حداکثر در همین زمان بود که کالخور به پایتخت یک امپراتوری جهانی تبدیل شد که از آن بی‌وقفه خراج‌های مفصلی به سوی استکاماتش سرازیر می‌شد. اما آن شکوه شهر نمرود هنگامی که سارگن دوم (حدود ۷۲۲-۷۰۵ پ.م)، غاصب مقام امپراتوری آشور، مقر حکومت در بارها تغییر داد، ناگهان به پایان رسید. این انتقال به شهر «دور شاروکین» صورت گرفت که مخصوصاً برای همین منظور تأسیس شده بود. ساترپ (حدود ۷۰۵-۶۸۱ پ.م)، جانشین اولاً مقرر حکومت خود را در شهر نینوا را به عنوان پایتخت خود برگزید برپا کرد، در حالی که از آن پس کالخور رفته‌رفته می‌بایست با

حال سنگ بنای گسترش قلمرو امپراتوری آشوری نوین در آن زمان، به کل بخش‌های آسیای جنوب غربی گذاشته شد. آشور نصیرپال مقرر خود را از پایتخت قدیمی آشور به کالخور (نمرود امروزی) منتقل کرد، جایی که دستور داد قصر باشکوه و ارگ بسیار مستحکمی برایش بسازند. قصری با سه بارگاه داخلی در اطراف آن ساخته شد که مساحتی بیش از دو هکتار را در برمی‌گرفت. نقش‌برجسته‌های پرشکوه محوطه درونی قصر که از قدرت و نزدیکی آشور نصیرپال به خدایان حکایت داشتند، بینندگان را به شگفتی می‌آوردند. شهر را در آن زمان دیواری به طول هفت کیلومتر و ۵۰۰ متر در بر می‌گرفت. پادشاهان بعدی آشوری نیز همان شیوه آشور نصیرپال دوم را ادامه دادند. آن‌ها نیز قصرهایی برای خود ساختند و درباری‌ها و غنیمت‌هایی را که از سراسر قلمرو پیوسته روبه‌گسترش امپراتوری خود جمع می‌کردند، در کالخور به نمایش

استیصال واشنگتن از رودروئی ریاض و تهران

قسمت دوم و پایانی

اکرم بلیکد

ترجمه: شهباز نخعی

فبروری ۲۰۱۱ را بر امریکا نمی‌بخشد، این موضوع متغنی نیست که عربستان سعودی به رغم خواست حامی امریکایی خود به مداخله زمینی در یمن بپردازد بخشی از مردم تحت تأثیر گفتار تند و شدید ملی گرا و مذهبی در انتظار نمایش قدرتی است که ظاهراً ازآزنده سال ۲۰۰۹ را پاک کند. یک بازگشت سعودی مستقر در ویرجینیا هشدار می‌دهد که: «این چیزی است که ایران در انتظار آن است تا نفوذ خود را در منطقه تثبیت کند. این امر موجب تقویت این کشور خواهد شد که به نظر می‌آید تنها کشور در منطقه است که راهبردی منسجم دارد. این امر برحسب تصادف نیست که دستگاه اداری دولت اوپاما به هر قیمتی درصدد رسیدن به یک توافق با آن است.»

شمار کارشناسانی که ارزیابی می‌کنند جمهوری اسلامی موفق به اتخاذ یک دیپلوماسی بدون اشتباه شده کم نیست. پس از یک توافق مقدماتی درمورد مسأله هسته‌ای، تهران ترکیه و پاکستان را توسط عربستان سعودی برای بمباران یمن نپيوندان. پیروزی مهم دیگر: روسیه تصمیم گرفت تحریم برخی از تسلیحات درمورد ایران که ازسال ۲۰۱۰ برقرار کرده بود را لغو کند. این تصمیم موجب ازسرگیری اجرایی قراردای ۸۰۰ میلیون دالری می‌شود که درسال ۲۰۰۷ برای تحویل سامانه ضد هوایی اس ۲۰۰ بسته شده بود. با تیرگرفتن کم و بیش از تجدید رابطه با ایالات متحده و غرب، سازی کردن با کارت مداخلاتش در عراق و سوریه و بهره‌گیری از اختلافات عده در میان اردوگاه هواآداران امریکا، ایران دست کم درکوتاه مدت، برنده تحول در منطقه به نظر می‌آید. اگرچه عقب نشینی‌های نظامی متحدش درسوریه موجب نگرانی مقامات تهران است. جمهوری اسلامی، با رفتن تا حد قرارگرفتن در اردوگاه کیوترا، بی‌وقفه از زبان آقای محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه یاه‌آوری می‌کند که: «ایران از دویست و پنجاه سال پیش هیچ کشوری را اشغال نکرده است» و فراخوان هایش برای به اجرا درآوردن یک برنامه صلح در یمن، به آن امکان داده که امتیازهای درمیان کشورهای عربی که بیشتر مخالف مداخله نظامی هستند، ازجمله اعضای همین ائتلاف، کسب کند...پایان

نظامی دریمس دنبال می‌کند این است که منطقه به صورت میدان نبرد نیابتی بین عربستان سعودی، که خود را قهرمان دنیای تسنن می‌داند، و ایران شیعه در نیاید. در اینجا نیز عملگرایی حاکم است. دستگاه اداری اوپاما که از پیش در عراق دربرابر نیروهای سازمان خلافت اسلامی (داعش) درگیر است و گزینه ای نیز برای اقدام نظامی در سوریه دارد، می‌داند که وخامت وضعیت به ظهور کانون‌های جدید خشونت فرقه ای در جاسی جای خاور نزدیک و از جمله خلیج فارس ا منجر خواهد شد، منطقه‌ای که اهمیت راهبردی برای تأمین مواد نفتی در جهان دارد.

خرق و هرج و مرج از لبنان تا هند. کارشناس سیاسی مرکز مطالعات و پژوهش‌ها درمورد دنیای عرب و مدیترانه در ژنوا می‌گوید: «فکرکرایج در دنیای عرب این است که ایالات متحده می‌گوشد رودرویی کلی بین شیعه و سنی را برانگیزد تا قدرت خود را بهتر در خلیج فارس ا و خاور نزدیک تثبیت نماید. اما هیچ کاری ماجراجویانه‌تر از گشودن این‌چنین جبهه جادو نیست. این کار می‌تواند از سواحل لبنان تا هند را دستخوش هرج و مرج کند.» هم اکنون، در لبنان، سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب الله بارها دنیای اسلام را به مخالفت با «تحریکات و درگیری‌های ا ایجاد شده توسط عربستان سعودی فراخوانده است. این فراخوان در بیانات رئیس جمهوری ایران، حسن روحانی نیز بازتاب یافته و او در روزه سالانه نیروهای مسلح کشور خود، بدون تردید به طور مشخص عربستان سعودی را به تأمین مالی تروریسم در سوریه، لبنان و عراق متهم نموده است. ریاض به خوبی ازاین بیم امریکا از وخیم‌تر شدن زورآزمایی‌اش با ایران آگاه است. درحالی که مقامات سنی به طور مداوم در شبکه‌های اجتماعی علیه «مدافعان تشیع» اظهارات تند بیان می‌کنند، شاهزاده سعود الفیصل، وزیرامور خارجه مرتباً تکرار می‌کند که کشورش «در یک جنگ در مورد حوزه نفوذ یا نیابتی علیه ایران» درگیر نیست. با این حال، او تهران را به توقف ارسال سلاح برای شورشیان حوثی فراخوانده است. در موقعیت کنونی منطقه و با توجه به سطح عدم اعتماد موجود بین واشنگتن و ریاض، که سقوط رئیس جمهوری مصر حسنی مبارک در

قدرت هسته‌ای حمایت‌کننده را ایفا می‌کند. ایالات متحده تاکنون دربرابر درخواست ریاض برای واردآوردن فشار به پاکستان مقاومت کرده و این امر موجب تسلی خاطر نواز شریف نخست وزیر پاکستان است. پاکستان که به شدت مورد انتقاد متحده سعودی خود و امارات متحده عربی قرارگرفته بود، وعده مشارکت در عملیات نظامی را داد، اما تنها در صورتی که تعامات ارضی عربستان سعودی درعرض تهدید باشد. وبلاگ نویس و سیاست‌شناس پاکستانی، خالد محمد، ارزیابی‌اش این است که گشورش نباید از «ماشین توسعه‌گر» ریاض حمایت کند: «ارتش پاکستان تصویری از خود این کشور است. درآن شیعیان نیز حضوردارند و نباید جنگ برای حوزه نفوذ بین ریاض و تهران موجب انفجار آن شود.»

دومین هدفی که واشنگتن با سعی در متقاعد کردن عربستان سعودی به اولویت دادن به راه حل سیاسی و عدم آغاز عملیات زمینی، پیگیری می‌کند به خاطر وضعیت عراق است. آقای العبادی درهنگام دیدار خود به مخاطبان امریکایی دراین مورد هشدار داد و گفت که سلطنت وهابی سعودی در منطقه «تقسیمی مشابه مسلام در اشغال کویت و تهدید همسایگان خود» بازی می‌کند. درماه مارچ ۲۰۱۱، مداخله نظامی عربستان سعودی در بحرین برای ایجاد سد دربرابر شورش مهم مردمی با اکثریت شیعه، برای مقامات عراق یک هشدار بود. این امر آنها را متقاعد کرده بود که کشورشان، که اکنون توسط یک قدرت مرکزی شیعی کنترل می‌شود، دربریزاد هدف اقدام نظامی سعودی خواهد بود. دیپلومات عرب در واشنگتن تصریح می‌کند که: «آخرین چیزی که ایالات متحده می‌خواهد، تشدید تنش بین سعودی‌ها و عراقی‌ها است. عراق سعودی را متهم می‌کند که مخفیانه تأمین‌کننده منابع مالی داعش است. با این حال، بحران یمن این فکر را به وجود می‌آورد که ریاض تصمیم گرفته دست به ابتکار عمل بزند و به رقیبان خود بفهماند که ازاین پس می‌باید آن را به حساب آورد.» هدف سومی که ایالات متحده در معدودکردن خسارت‌های مداخله

قابل شده است. به طور رسمی، عربستان سعودی و شرکای آن هدف‌های تعیین شده را بمباران می‌کردند، پنتاگون اطلاعاتی که از طریق هواپیماهای بدون سرنشین به دست آورده و هم‌زمان در مراکز عملیاتی در عربستان سعودی، قطر و بحرین تحلیل شده بود را در اختیار آنها می‌گذاشت. اما، چنان که ریچارد استاک، مشاور دفاعی می‌گوید، ایالات متحده اعصم از این که به آنها اطلاعات می‌داد یا نمی‌داد «درنهایت از حق وتو درمورد هدف‌هایی که می‌بایست بمباران شود برخوردار بود»...

این مشارکت، حتی غیرمستقیم، در عملیات نظامی عربستان سعودی - که باید عملیات دریایی برای جلوگیری از رسیدن تدارکات به شبکه نظامیان حوثی نیز به آن افزوده شود - تبدیل به هدف‌هایی سه‌گانه برای ایالات متحده شده است. جلوگیری از حمله زمینی حدود صد و پنجاه هزار سرباز سعودی است که در مرز یمن متمرکز شده‌اند. این هدف نه به خاطر باورهای انسان‌دوستانه، بلکه به این خاطر است که واشنگتن از آن هراس دارد که این حمله به شکست کامل ارتش سعودی منجرشود. با تجربه سابقه ناوبر سال ۲۰۰۹، هنگامی که درپی حمله نخست به شورشیان حوثی، سعودی‌ها تلفات مهمی دادند، مسئولان امریکایی نمی‌خواهند آن ماجرا، که می‌تواند نیروهای آنان را ناگزیر از مداخله زمینی نماید، تکرار شود. به ویژه آن که کارزار انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ نیز درراه است.

همچنین، واشنگتن از آن رو درمورد حمله زمینی احتیاط می‌کند که نسبت به پیروی دو متحد عربستان سعودی تردید دارد. نه مصر، با این که در عملیات هوایی مشارکت کرده و نه پاکستان، که به رغم ناخرسندی عربستان سعودی و شیخ نشین‌های خلیج فارس، تصمیم گرفته که در ائتلاف شرکت نداشته باشد، قصد مشارکت در حمله زمینی را ندارد. پاکستان، به عنوان یک کشور مسلمان دارای اکثریت سنی، از دیرباز متحد نظامی عربستان سعودی است. هر دو ی آنها رودرویی اتحاد جماهیر شوروی سابق قرارداداشتند. ریاض و اسلام آباد همکاری‌های خود را در زمان جنگ اول افغانستان (۱۹۸۹ - ۱۹۷۹) گسترش دادند. درحالی که سلطنت وهابی سعودی یکی از عمده‌ترین تأمین‌کنندگان مالی پاکستان است، این کشور دربرابر آن نقش

هنگامی که پنتاگون به ائتلاف اطلاعات می‌داد امریکا نتوانست ریاض را متقاعد کند که راه حلی جز گزینش بمباران هوایی برگزیند. این امر تا حدی است که رهبران سعودی امروز به دنبال جلب نظر جمهوری خواهان اند که درپی شدت عمل نسبت به ایران و آقای اوپاما هستند. براین روال، نامه [۴۷] سناتور امریکایی به علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی مبنی بر این که حرف آخر درمورد توافق در مساله هسته‌ای را کنگره خواهد زد، ریاض را متقاعد کرد که اقتدار رئیس جمهوری امریکا تضعیف شده است. برای محسود کردن تلفات غیرنظامی و عوارض مداخله نظامی‌ای که می‌تواند سراسر منطقه را به آتش بکشد، ارتش امریکا درمورد هدف‌های انتخاب شده توسط ائتلاف برای خود حق نظارت

کارتون روز



۵۰۵ شرح

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حقیقت‌الله زکی
- کارکاتوریست: خالق علی زاده
- دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
- مسئول وب سایت: محمد علی بوهامی

افغانستان
The Daily Afghanistan

روزنامه
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Source

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فلز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۲